



بررسی عوامل مؤثر بر توسعه‌ی ورزش قهرمانی زنان ایران

زهره میرشکاران^۱، حسن بحرالعلوم^{۲*}، هادی باقری^۳

تاریخ تصویب: ۹۹/۰۲/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۷/۱۴

چکیده

هدف از این پژوهش، مطالعه عوامل مؤثر بر توسعه ورزش قهرمانی زنان ایران بود. این پژوهش از نوع کیفی است که به شیوه‌ی تحلیل محتوای مستقیم و با استفاده از ادبیات موجود و مصاحبه با ۱۵ نفر از خبرگان منتخب (به روش نمونه‌گیری هدفمند) اجرا شد. تحلیل ادبیات موجود، سه دسته عوامل زیرساختی، فنی-ورزشی و بستر اجتماعی مؤثر در توسعه ورزش قهرمانی زنان را آشکار کرد که در مرحله بعد از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته، بسط داده و تکمیل شد. حاصل تحلیل‌ها، استخراج ۴۳ کد و ۱۱ مقوله فرعی بود. عوامل زیرساختی چهار مقوله‌ی امکانات عمومی ورزش قهرمانی، امکانات اختصاصی بانوان، منابع درآمدی و ساختار مدیریتی را در بر گرفت؛ سه مقوله‌ی توسعه حرفه‌ای، مدیریت استعداد و آماده‌سازی عمومی، عوامل فنی-ورزشی را تشکیل دادند؛ و دسترسی به منابع انسانی، شایستگی‌ها، حمایت‌ها و محدودیت‌های عرفی نیز در دسته‌ی بستر اجتماعی قرار گرفتند. بنابراین، توسعه ورزش قهرمانی زنان نیازمند بهبود وضعیت اجتماعی، زیرساخت‌های اولیه و عوامل فنی است که به‌نظر می‌رسد موضوعات اجتماعی عواملی زیربنایی‌تر هستند. از این‌رو، لازم است برای تسریع روند توسعه ورزش زنان، تعاملات با گروه‌های ذی‌نفوذ داخلی و نهادهای بین‌المللی و سپس همکاری‌های بین‌بخشی مورد توجه قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: زیرساخت‌ها، عوامل فنی، بستر اجتماعی، ورزش بانوان، ورزش قهرمانی.

Email: z.mirshakaran89@gmail.com

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی دانشکده تربیت بدنی دانشگاه صنعتی شاهرود، شاهرود، ایران

Email: bahrololoum@shahroodut.ac.ir

۲. دانشیار مدیریت ورزشی دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه صنعتی شاهرود شاهرود، ایران*

Email: bagherihadi25@yahoo.com

۳. استادیار مدیریت ورزشی دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه صنعتی شاهرود شاهرود، ایران

مقدمه

جهان به سرعت در حال تغییر و پیشرفت است و ملتها به دنبال تلاش برای توسعه و پیشرفت بیشتر هستند. ورزش نیز به عنوان مقوله‌ای مهم برای ملتها و دولت‌ها، به عنوان اهرمی برای توسعه شناخته به کار گرفته شده است (پورکیانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۶). لورمور^۱ (۲۰۰۸) ورزش را موتور جدید توسعه می‌نامد و معتقد است که استفاده از ورزش برای اهداف توسعه باید به صورت دقیق‌تری ارزیابی شود و به نحوی دنبال شود که همه اقشار جامعه را در بر بگیرد (لورمور، ۲۰۰۸: ۱۸۹). کشورهای مترقی از دهه ۱۹۹۰، در پی آن بوده‌اند که با تأمین شرایط لازم، مشارکت در ورزش را ترغیب و در راستای موفقیت‌های ورزشکاران نخبه سرمایه‌گذاری کنند تا بتوانند از مزایای آن در مسیر توسعه سود ببرند (دیئر^۲، ۲۰۰۰: ۳۴).

در کشورهای مختلف دنیا، مدل‌های مختلفی برای توسعه ورزش به کار گرفته شده است؛ در ایران نیز طرح جامع ورزش (مصوب ۱۳۸۲) توسعه مبتنی بر افزایش مشارکت افراد از سطح ورزش پرورشی و همگانی تا رسیدن به سطح قهرمانی و سپس حرفه‌ای را مدنظر قرار داده است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۲). در حقیقت، مدل توسعه ورزش ایران همرمی سلسله مراتبی از پایین به بالا را هدف قرار داده که چهار سطح ذکر شده را در برمی‌گیرد. در پایین‌ترین سطح مدل، ورزش پرورشی با بیشترین مشارکت‌کننده و در رأس آن، ورزش حرفه‌ای با کمترین مشارکت‌کننده قرار دارد (رمضانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۴: ۴). گرچه این طرح هیچ‌گاه در کشور به مرحله اجرا در نیامده؛ اما این مدل اساس توسعه ورزش در ایران قرار گرفته است (رمضانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۴: ۴). نگاهی به برنامه پنج‌ساله پنجم (۱۳۹۰-۱۳۹۴) و ششم توسعه کشور (۱۳۹۶-۱۴۰۰) این موضوع را تأیید می‌کند (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹، ۱۳۹۵). با این حال، در این برنامه‌ها اساساً بر سه سطح پرورشی، همگانی و قهرمانی تأکید و دولت از سرمایه‌گذاری در ورزش حرفه‌ای منع شده است. ورزش پرورشی به برنامه‌های ورزشی و تربیت‌بدنی در واحدهای آموزش رسمی شامل مدارس، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی گفته می‌شود (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۲)؛ ورزش همگانی به معنای شرکت آزاد و اختیاری افراد جامعه در انواع بازی‌ها، سرگرمی‌ها، تفریحات و ورزش‌های غیررسمی است (رمضانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۴: ۴)؛ ورزش حرفه‌ای حوزه رقابت باشگاه‌ها و تیم‌هاست که بر بازار تمرکز دارد و در آن ورزشکاران برای فعالیت خود دستمزد و پاداش دریافت می‌کنند (رمضانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷)؛ ورزش قهرمانی نیز عبارت است از بازی‌ها و ورزش‌های رقابتی و سازمان‌یافته که برای رسیدن به اهداف و کسب نتیجه و رتبه برتر انجام می‌شود و افراد ماهر و نخبه در آن شرکت می‌کنند (دی بوسچر^۳، ۲۰۱۳؛ به نقل از پورکیانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۷). در گذر زمان، ارزش موفقیت در ورزش قهرمانی در میان کشورها و دولت‌ها بیشتر شناخته شده است؛ موفقیت در میدان‌های بین‌المللی به دلیل ایجاد حس غرور ملی، ظرفیت سوددهی اقتصادی و کاربرد دیپلماتیک کلی آن ارزش‌های مختلفی یافته است (گرین^۴ و همکاران، ۲۰۰۸: ۹۲۲). ورزش قهرمانی و موفقیت در آن، عاملی مهم برای ترویج فرهنگ سلامت و فعالیت بدنی، افزایش سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی، برابری جنسیتی، آشتی و صلح جهانی و در نتیجه ایجاد توانمندی کشورها است (بریونینگ^۵ و همکاران، ۲۰۱۵: ۱۳).

در ماده ۹۴ از بخش ۱۷ سند ششم توسعه کشور (۱۳۹۶-۱۴۰۰)، به طور ویژه بر توسعه ورزش بانوان تأکید شده است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵). حضور بانوان به عنوان بخش مهمی از سرمایه انسانی هر جامعه در عرصه ورزش قهرمانی، نه تنها می‌تواند به توسعه کشورها کمک کند، بلکه تلاش کشورها برای توسعه را نیز نشان می‌دهد. هر جا محیط برای فعالیت‌های اجتماعی زنان مهیا باشد، قابلیت آنان بروز بیشتری می‌یابد و تأثیراتشان در جامعه بیشتر آشکار می‌شود (رمضانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۳۲). در رقابت‌های بین‌المللی نیز زنان می‌توانند بخش مهمی از برتری کشورها را

1. Levermore
 2. Diener
 3. De Bosscher
 4. Green
 5. Bruning

رقم بزنند. به عنوان مثال، با بررسی گزارش‌های سایت کمیته بین‌المللی المپیک^۱ در دو دوره اخیر المپیک، حدود ۶۰ درصد از مدال‌های چین، ۵۰ درصد از مدال‌های روسیه، ۴۵ درصد از مدال‌های آمریکا و ۴۲ درصد از مدال‌های آلمان توسط زنان کسب شده است؛ کشورهایی که همواره در بین برترین‌های المپیک قرار داشته‌اند. بنابراین، به نظر می‌رسد که در این کشورها، زنان و مردان از فرصت‌های برابری برای مشارکت در ورزش برخوردارند. در حقیقت، زنان همانند مردان برای رشد بیشتر در ورزش قهرمانی به وجود اماکن و زیرساخت‌های ورزشی استاندارد (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۸؛ پاملا^۲ و همکاران، ۲۰۱۳: ۶۵؛ هافمن^۳، ۲۰۰۲: ۵۴۶)، تجهیزات مناسب و باکیفیت (هافمن، ۲۰۰۲: ۵۴۶)، تأمین منابع مالی (رضایی صوفی و شعبانی، ۱۳۹۳: ۱۰۰)، آموزش و پرورش رسمی در مدارس، دانشگاه‌ها و بخش عمومی (هافمن، ۲۰۰۲: ۵۴۶)، تشویق و حمایت اجتماعی از سوی خانواده‌ها (هایکو^۴ و اسمیت، ۲۰۱۴: ۳۰۲؛ دیکسون^۵ و همکاران، ۲۰۰۸: ۵۵۴) و مواردی از این دست، نیاز دارند. با این حال، مواردی ریشه‌ای‌تر و اساسی‌تر وجود دارد که توسعه ورزش قهرمانی در بخش زنان را به تأخیر انداخته است. در حقیقت، زنان برای ورود به عرصه ورزش با موانع متعددی مواجه هستند. آنها چه در جایگاه تماشاگر ورزش، چه در جایگاه ورزشکار و قهرمان و چه در جایگاه فردی علاقه‌مند به فعالیت بدنی عمومی، مشکلات زیادی را پیش روی خود دارند. زنان از امتیاز حضور در بسیاری از میدان‌های ورزشی محروم‌اند و نمی‌توانند از بخش زیادی از مزایای ورزش بهره‌مند شوند (احسانی و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۷). نوع پوشش و طراحی لباس بسیاری از رشته‌ها معارض شئون اسلامی است که مانع شرکت زنان در فعالیت‌های ورزشی برون‌مرزی و جهانی شده است (کردی و تجاری، ۱۳۸۵: ۱۵). ورزش‌های آبی مثل شنا، شیرجه و واترپلو و ورزش‌هایی مثل ژیمناستیک، کشتی، تنیس، والیبال ساحلی، اسکیت و پاتیناژ برخی از رشته‌هایی هستند که زنان به خاطر قوانین داخلی و ملاحظات مذهبی اجازه حضور در رقابت‌های بین‌المللی آنها را ندارند. اما، ریزنی با نهادهای جهانی اداره‌کننده ورزش باعث شده است تا در تعدادی از رشته‌های انفرادی مثل بوکس، تکواندو، تیراندازی، شمشیربازی، کاراته، قایقرانی، ووشو و ورزش‌های تیمی مثل فوتسال، فوتبال، والیبال، کبده و بسکتبال، امکان حضور در رقابت‌های بین‌المللی با پوشش حجاب برای زنان فراهم شود. این موضوع اگرچه عملکرد ورزشی زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ اما فرصتی برای نشان دادن توانمندی‌های آنهاست (ریحانی، ۲۰۱۹). از سوی دیگر، به خاطر محدود بودن تجربه زنان در بسیاری از رشته‌ها، نیاز به استفاده از تجربه مریدان مرد است که به خاطر محدودیت‌های مذهبی و عرفی و سخت‌گیری‌های سازمانی به سختی امکان‌پذیر است.

گرچه نتایج مطالعات علمی در کشورهای مختلف، وجود محدودیت‌ها و شرایط نابرابر برای ورزش زنان را نشان می‌دهد؛ به نظر می‌رسد در ایران با توجه به شرایط فرهنگی-اجتماعی که از گذشته دور حاکم بوده است، این محدودیت‌ها وسعت بیشتری داشته باشد. نگاه مردسالارانه جامعه ایرانی با تقسیم کار و سپردن امور خانه به زن‌ها باعث شده است که برخی از فرصت‌های رشد اجتماعی از آنها گرفته شود. از سوی دیگر، برخی برداشت‌های مذهبی از اسلام، رابطه فرادست و فرودست میان مرد و زن را بر جامعه حاکم و امور خانوادگی و اجتماعی را از هم تفکیک کرده است. این دیدگاه، برخی امور را به طور ذاتی مردانه و برخی را زنانه می‌داند (خلیلی، ۱۳۸۶: ۱۶۹). بر همین اساس، حتی قوانینی وجود دارد که زنان برای برخی از فعالیت‌ها باید از شوهرشان اجازه داشته باشند. مثلاً خروج از کشور برای شرکت در رقابت‌های ورزشی بدون رضایت شوهر امکان‌پذیر نیست و همین موضوع در سال‌های گذشته مانع برخی ورزشکاران زن تیم‌های ملی برای اعزام به مسابقات خارجی شده است. بدیهی است که چنین دیدگاهی، باعث سلب انگیزه حضور زنان، کاهش فرصت‌های حضور در اجتماع و پس زدن آنها به محیط خانه می‌شود.

1. <https://www.olympic.org>
 2. Pamela
 3. Hoffman
 4. Haycock
 5. Dixon

گرچه با تلاش‌های فراوان اکنون جامعه ایران در مرحله گذار از جامعه سنتی به جامعه عقلانی و قانونی قرار دارد، رتبه ۱۱۸ نابرابری جنسیتی در بین ۱۸۹ کشور جهان (گزارش توسعه انسانی سازمان ملل^۱، ۲۰۱۹: ۳۱۷) نشان می‌دهد که زنان ایران با همه پتانسیلهایی که دارند هنوز به جایگاه واقعی‌شان در جامعه نرسیده‌اند. بررسی میزان رشد ورزش بانوان در عرصه‌های داخلی و خارجی نیز این واقعیت را آشکار می‌کند که در مقایسه با ورزش مردان یا زنان سایر کشورها، این حوزه رشد خوبی نداشته است (منظمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۳). هنوز بسیاری از زنان از تشویق و حمایت خانواده‌ها برای حضور در رقابت‌های ورزشی برخوردار نیستند؛ به سالن‌ها و استادیوم‌های ورزشی استاندارد در زمان‌های تمرینی مناسب دسترسی ندارند؛ و مسابقات آنها چندان مورد توجه رسانه‌ها به‌ویژه تلویزیون قرار نمی‌گیرد؛ و لیگ‌های منظمی در رشته‌های ورزشی آنها وجود ندارد (آرین و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۶۸). نبود لیگ‌های حرفه‌ای و منظم که ورزش قهرمانی و نخبه را تغذیه می‌کند، می‌تواند فرآیند توسعه را به تأخیر بیندازد. به‌همین دلیل، در بسیاری از رشته‌های ورزشی به تقلید از سیستم فوتبال انگلیس، لیگ‌های سلسه‌مراتبی هر می طراحی شده است تا امکان رقابت در سطحی گسترده را فراهم سازد. در این سیستم، مجموعه‌ای از لیگ‌های پیوسته به هم وجود دارد که باشگاه‌ها می‌توانند از پایین‌ترین سطح شروع کرده و خود را به رأس هرم (بالاترین سطح مسابقات) برسانند. این سیستم با قانون صعود و سقوط اداره می‌شود که در آن باشگاه‌های رده‌های اول هر سطح، امکان صعود به سطح بالاتر را دارند و باشگاه‌های رده‌های آخر به سطح پایین‌تر سقوط می‌کنند (آلیری^۲، ۲۰۱۷: ۵۸). این سیستم ضمن جذاب‌تر کردن رقابت، زمینه توسعه حرفه‌ای را نیز فراهم می‌کند. با این حال، نگاهی به ورزش زنان، نشان می‌دهد که به خاطر مباحث مالی، این سیستم کمتر قابلیت اجرایی پیدا کرده و معمولاً در کشورهای مختلف به یک یا دو سطح محدود شده است (کلین^۳، ۲۰۱۸: ۸۸-۸۹). همه مواردی که در بالا ذکر شد، باعث شده است تا ورزش زنان محجور و دستاوردهای کمی داشته باشد. بر اساس گزارش کمیته ملی المپیک ایران، از ۶۲ ورزشکار اعزامی به مسابقات المپیک ۲۰۱۶ ریو، فقط ۹ نفر (حدود ۱۴ درصد) زن بودند که بیشترین تعداد زن اعزامی در ادوار المپیک محسوب می‌شد. این در حالی است که ۴۵ درصد از ورزشکاران المپیک ریو را زنان تشکیل می‌دادند (کراکت^۴، ۲۰۱۶). در بازی‌های آسیایی ۲۰۱۸ جاکارتا نیز ایران با ۳۷۸ ورزشکار حضور یافت که تنها ۹۸ نفر از آنها (حدود ۲۵ درصد) زن بودند؛ در حالی که حدود ۴۳ درصد از ورزشکاران حاضر در این رقابت‌ها را زنان تشکیل می‌دادند (کمیته المپیک آسیا، ۲۰۱۸). مقایسه این نسبت‌ها، بسیار قابل تأمل است و نشان می‌دهد که زنان ایرانی هنوز در ورزش قهرمانی جایگاه مناسبی ندارند.

این موضوع می‌تواند علل متعددی را در ورای خود داشته باشد (ابودردا، ۱۳۸۵: ۱۱۹). کمبود منابع مالی و عدم پشتیبانی حامیان مالی را به‌عنوان یکی از دلایل عقب ماندن ورزش زنان بیان می‌کند. وی در پژوهش خود، مشکلاتی هم‌چون کمبود تماشاگر، نبود پخش تلویزیونی یا پوشش رسانه‌ای محدود و حضور نیافتن در مسابقه‌های سطح بالا را مانع جذب پول و به‌دنبال آن رشد و شکوفایی ورزش بانوان مطرح کرده است. به‌نظر می‌رسد که کمبود منابع مالی از مسائل همیشگی ورزش بانوان بوده است؛ چرا که در پژوهش‌های متعدد به آن اشاره شده است (راسخ و سجادی، ۱۳۹۴: ۹۹). نبود اماکن ورزشی ویژه‌ی بانوان با توجه به مقتضیات فرهنگی، اجتماعی و اقلیمی را از جمله ضعف‌های ورزش قهرمانی زنان معرفی کرده‌اند. کمبود این اماکن در سطح ورزش‌های تفریحی و همگانی نیز می‌تواند بر تولید پشته‌های ورزش قهرمانی اثر بگذارد. در حقیقت، با توجه به محدودیت‌های مربوط به پوشش زنان برای مشارکت در فعالیت‌های ورزشی، در محیط شهری نیاز به فضاهای تفریحی اختصاصی برای آنهاست. ایجاد پارک‌های بانوان کمک می‌کند تا آنها آزادانه در زمان‌های فراغت خود، به فعالیت بدنی و ورزش بپردازند و فضایی برای امتحان و کسب مهارت‌های ورزشی داشته باشند (نادری و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۳). فرشته و همکاران (۱۳۹۰) دسترسی به پارک‌های بانوان را در بسیاری از شهرها محدود ارزیابی کردند، در حالی که طراحی و ایجاد این پارک‌ها را زمینه‌ساز شکوفایی و رشد استعداد‌های فردی بانوان می‌دانند (فراهانی و عبدوی بافتانی،

1. Human Development Report of United Nations
2. O'Leary
3. Klein
4. Crockett

۱۳۸۵: ۸۰). ضمن تأیید نقش اماکن اختصاصی در رشد ورزش قهرمانی، بخشی از ضعف ورزش قهرمانی را مربوط به عدم استفاده بهینه از امکانات موجود و نداشتن اطلاعات تخصصی و کافی مدیران و کارشناسان پایگاه‌های ورزش قهرمانی می‌دانند (غفرانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۸۵). و نیز پورکیانی و همکاران (۱۳۹۶)، بخشی از مشکلات ورزش قهرمانی را به‌طور کلی مربوط به ضعف‌های استعدادیابی و توسعه ورزش در سطوح پایه (ورزش تربیتی) می‌دانند که می‌تواند مشکلات دیگر را نیز به‌دنبال داشته باشند؛ بنار و همکاران (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای، مشکلات ورزش قهرمانی بانوان استان گیلان را بررسی و پنج دسته عوامل اقتصادی، اجتماعی، مدیریتی، فنی و شخصی را به‌عنوان مسائل این حوزه بیان کردند. شناسایی این مشکلات و ضعف‌ها بخشی از مسیر توسعه ورزش قهرمانی است که پژوهش‌های متعددی به آن پرداخته‌اند. با این حال، در تحقیقات انجام شده در حوزه ورزش، گرچه جنبه‌های مختلف ورزش به‌طور عام و ورزش قهرمانی به‌طور خاص بررسی و تنگناها و راه‌حل‌های توسعه‌ای نیز تا حدودی آشکار شده است. اما، کمتر پژوهشی به‌صورت متمرکز، به شناسایی عوامل توسعه‌ی ورزش بانوان پرداخته است. به‌خصوص این‌که با شرایط ویژه زنان در ایران، ممکن است عواملی در این مسیر نقش داشته باشند که تاکنون کمتر در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها مدنظر قرار گرفته باشد. بنابراین، پژوهش حاضر به‌دنبال شناسایی و تحلیل عوامل مهمی است که در توسعه ورزش قهرمانی بانوان نقش دارند تا بتواند بر اساس آن راهکارهای مناسب توسعه‌ای را ارائه دهد.

روش شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع تحلیل محتوای کیفی است که با رویکرد جهت‌دار و با استفاده از چارچوب شناسایی شده بر مبنای ادبیات و پیشینه پژوهش، به‌دنبال گسترش مبانی تئوریک مربوط به توسعه ورزش بانوان است. برای تکمیل چارچوب شناسایی شده، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته‌ای با خبرگان حوزه ورزش بانوان (شامل مدیران و معاونین ادارات ورزش، رؤسای هیئت‌های ورزشی و ورزشکاران دعوت شده به تیم‌های ملی) صورت گرفت. بدین منظور، ۱۵ نفر از آنها به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. معیار تعیین تعداد مشارکت‌کنندگان، اشباع نظری داده‌ها بود که بعد از ۱۵ مصاحبه حاصل شد. مصاحبه‌ها به‌طور کلی بین ۱۵ تا ۴۵ دقیقه به طول انجامیدند و از این جهت به‌صورت نیمه‌ساختاریافته اجرا شدند تا امکان موشکافی و پیگیری عمیق‌تر نظرات وجود داشته باشد؛ در طول جلسات مصاحبه، علاوه بر یادداشت‌برداری نکات مهم، با هماهنگی مشارکت‌کنندگان، مصاحبه‌ها ضبط می‌شد. پس از پیاده‌سازی، مصاحبه‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، مقوله‌بندی و ساختاردهی مقوله‌ها تحلیل شدند. برای حصول معیارهای پژوهش علمی و افزایش اعتبار یافته‌ها، طبق نظر لینکلن و گابا (۱۹۸۱) عمل شد و چهار معیار قابلیت اعتبار، قابلیت ثبات، تأییدپذیری و قابلیت انتقال در طول پژوهش در نظر گرفته شد. برای کسب قابلیت اعتبار، تلاش شد تا از روش خودبازبینی پژوهشگر استفاده شود. ضمن این‌که سعی شد تا از طریق مقایسه یافته‌ها با سایر نظریه‌های مرتبط و ادبیات موجود، اعتبار آنها بررسی شود. هم‌چنین متن کامل کلیه کدگذاری‌ها و طبقات استخراج شده توسط تیم پژوهش، مجدداً بررسی و با تعامل با یکدیگر تکمیل و تأیید شد. برای افزایش میزان ثبات، از بررسی دقیق یافته‌ها و کدهای استخراج‌شده توسط ناظر خارجی استفاده شد. برای تأییدپذیری پژوهش، ضمن بررسی فرآیند انجام کار توسط تیم پژوهش، مراحل تعیین‌شده به دقت اجرا شد. در مورد قابلیت انتقال‌پذیری یافته‌ها نیز می‌توان بر اساس بستر پژوهش، نحوه انتخاب مشارکت‌کنندگان، شیوه جمع‌آوری داده‌ها و فرآیند تحلیل، کاربرد یافته‌ها در موقعیت‌های دیگر را ارزیابی کرد. به‌طور کلی، سعی شد تا در هر یک از معیارهای ذکرشده، یک یا دو روش متناسب با آن به‌کار گرفته شود که یافته‌های حاصله می‌تواند تا حدود زیادی درست‌نمایی آن را نشان دهد.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان را نشان می‌دهد. در این پژوهش، بیشترین تعداد مشارکت‌کنندگان را زنان (۷۱٪) تشکیل دادند. همچنین، بیشتر مشارکت‌کنندگان (۴۲/۸۵٪) متعلق به رده سنی ۳۰-۴۰ سال و کمترین تعداد (۷/۱۴٪) متعلق به رده سنی بالای ۵۰ سال بودند. در بین مشارکت‌کنندگان افرادی با تحصیلات دکتری و بالاتر و نیز تحصیلات لیسانس به یک نسبت (۳۵/۷۱٪) حضور داشتند. حدود ۴۳ درصد از مشارکت‌کنندگان تحصیلاتی در رشته مدیریت ورزشی داشتند. همچنین، افرادی با سابقه کار ۵ تا ۱۵ سال بیشترین درصد (۵۰٪) را به خود اختصاص دادند؛ کمترین درصد نیز (۱۴/۲۸٪) مربوط به سابقه‌های کار کمتر از ۵ سال و بالای ۲۵ سال است.

جدول ۱: توزیع فراوانی و درصد فراوانی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان پژوهش

متغیر	طبقه	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	زن	۱۰	۷۱/۴۲
	مرد	۴	۲۸/۵۸
سن	زیر ۳۰ سال	۲	۱۴/۲۸
	۳۰-۴۰ سال	۶	۴۲/۸۵
	۴۰-۵۰ سال	۵	۳۵/۷۱
	بالای ۵۰ سال	۱	۷/۱۴
تحصیلات	لیسانس	۵	۳۵/۷۱
	فوق لیسانس	۴	۲۸/۵۸
	دکتر و بالاتر	۵	۳۵/۷۱
رشته تحصیلی	مدیریت ورزشی	۶	۴۲/۸۶
	غیرمدیریت ورزشی	۸	۵۷/۱۴
سابقه فعالیت	کمتر از ۵ سال	۲	۱۴/۲۸
	۵-۱۵ سال	۷	۵۰
	۱۵-۲۵ سال	۳	۲۱/۴۲
	۲۵ سال بالاتر	۲	۱۴/۲۸

در بخش تحلیل کیفی داده‌ها، حاصل تحلیل محتوای مستندات و مصاحبه‌ها، عوامل مؤثر بر ورزش قهرمانی بانوان را در سه دسته‌ی عوامل زیرساختی، فنی- ورزشی و بستر اجتماعی قرار داد. عوامل زیرساختی شامل چهار مقوله امکانات عمومی، امکانات اختصاصی بانوان، منابع درآمدی و ساختار مدیریتی و در مجموع ۱۵ کد بود. عوامل فنی- ورزشی نیز شامل سه مقوله آماده‌سازی عمومی، توسعه‌ی حرفه‌ای و مدیریت استعداد و در مجموع ۱۴ کد بود. بستر اجتماعی نیز چهار مقوله دسترسی به منابع انسانی، شایستگی‌ها، حمایت اجتماعی و محدودیت‌های عرفی و در مجموع ۱۴ کد را در بر می‌گرفت (جدول ۲).

جدول ۲: کدگذاری و مقوله‌بندی عوامل مؤثر بر توسعه ورزش قهرمانی بانوان

مفاهیم	مقوله‌های فرعی	مقوله اصلی
تجهیزات تمرینی و مسابقه‌ای	امکانات عمومی	عوامل زیرساختی
اماکن تمرینی و مسابقه‌ای		
مراکز استعدادیابی		
پایگاه ورزش قهرمانی		
وجود پارک‌های تفریحی - ورزشی مختص بانوان	امکانات اختصاصی	
دسترسی به اماکن ورزشی اختصاصی		
تعداد باشگاه‌های فعال در دسترس بانوان		
اسپانسرها - خیرین	منابع درآمدی	
کمک‌های دولتی		
قراردادهای تبلیغاتی		
ارتباط ورزش تربیتی، همگانی و قهرمانی	ساختار مدیریتی	
تعدد مراکز تصمیم‌گیری و توزیع منابع		
جایگاه بانوان در ساختار سازمان‌های تصمیم‌گیرنده		
روابط با نهادهای بین‌المللی		
برنامه‌ریزی راهبردی ورزش قهرمانی		
برنامه‌های اردویی مدون	آماده‌سازی عمومی	
بازی‌های تدارکاتی با تیم‌های مطرح		
اعزام‌های داخلی و خارجی		
حریفان تمرینی سطح بالا		
برگزاری جشنواره‌ها		
اردوهای مشترک	عوامل فنی	
ایجاد لیگ‌های هرمی در سطوح مختلف		
برگزاری منظم لیگ‌ها		
کمک به حرفه‌ای شدن باشگاه‌های فعال		
آموزش و توسعه نیروی انسانی سطح بالا (داوران، مربیان و ...)		
استعدادیابی از سطوح پایه	مدیریت استعداد	
حفظ استعدادها و نخبه‌پروری		
گزینش بر مبنای معیارهای علمی		
همکاری پایگاه استعدادیابی، قهرمانی و هیئت‌ها		
نبود اماکن تمرین با مردان یا مخالفت با استفاده از مربی مرد	دسترسی به منابع انسانی	
نسبت نیروهای متخصص (مربی، روانشناس، متخصص تغذیه و ...) به ورزشکار		
تعداد مربیان زن بازیکن ساز در سطوح پایه	شایستگی‌ها	
آمدگی روانی و رقابت‌طلبی افراد		
برخورداری از وضعیت بدنی مطلوب	حمایت اجتماعی	
توان یادگیری حرکتی بالا (قابلیت ذهنی - حرکتی)		
همراهی خانواده با ورزشکار		
کمک دوستان و آشنایان	محدودیت‌های عرفی	
پشتیبانی فدراسیون‌ها و نهادهای ورزشی از زندگی حرفه‌ای ورزشکاران		
نگرش‌های سنتی - فرهنگی حاکم بر جامعه		
عدم حمایت/ قید و بندهای نهاد مذهب برای مشارکت بانوان		
پوشش رسانه‌ای ورزش بانوان		
حضور در مسابقات بین‌المللی با پوشش (حجاب)		
نیاز به موافقت شوهر یا ولی برای خروج از کشور		

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی عوامل مؤثر بر توسعه ورزش قهرمانی زنان بود. بر اساس نتایج پژوهش، توسعه ورزش قهرمانی مستلزم توجه به ابعاد زیرساختی، فنی- ورزشی و بستر اجتماعی است که هر کدام مؤلفه‌های مختلفی را در بر می‌گیرد.

اولین دسته از الزامات توسعه ورزش قهرمانی زنان به زیرساخت‌هایی مربوط می‌شود که زمینه رشد و پرورش استعدادها و ورزشی را فراهم می‌سازد. وجود امکانات مختص زنان، امکانات عمومی ورزش‌های قهرمانی، فراهم‌سازی منابع درآمدی، در کنار ساختار مدیریتی درست می‌تواند ورزش زنان را به سمت تعالی به حرکت در آورد. در بُعد امکانات عمومی ورزش‌های قهرمانی، توجه به استعدادهای فردی و کشف آنها امری حیاتی است که می‌بایست به‌وسیله نهادها و مراکز تخصصی صورت گیرد. دلایل متداول کشورها برای استفاده از سیستم شناسایی و استعداد درخشان، رسیدن به اوج عملکرد، افزایش تعداد مدال و قهرمانان موفق در سطح بین‌المللی است (سبرا و سدلاژک، ۲۰۱۲: ۱۳). از دیدگاه صاحب‌نظران، احداث مراکز استعدادیابی و پایگاه‌های ورزش قهرمانی گامی مؤثر و بسیار مفید در توسعه ورزش قهرمانی بانوان است. مراکز استعدادیابی با شناسایی افراد مستعد و پایگاه‌های قهرمانی با پایش این استعدادها می‌توانند نخبه‌پروری ورزشی را نهادینه کنند. در حقیقت، با استعدادیابی مداوم و پرورش این استعدادها، از سویی رقابت بین ورزشکاران افزایش می‌یابد و از سوی دیگر اندوخته مناسبی برای عضویت در تیم‌های ملی فراهم می‌شود (فراهانی و عبدوی‌باقتانی، ۱۳۸۵: ۷۰). علاوه بر این، فراهم بودن امکانات تمرینی و مسابقه‌ای و نیز دسترسی به تجهیزات استاندارد می‌تواند مسیر توسعه ورزش قهرمانی را هموارتر سازد: «شما برای تمرین به یک سری از امکانات نیاز داری و برای مسابقه امکانات دیگری می‌خواهی. در تمرین وسایلی احتیاج داری تا بتوانی ورزشکار را به سطح مطلوب برسانی، زمین تمرین، ابتدایی‌ترین مورد است که از زمین مسابقه باید جدا باشد. ... امروز دیگر شما نمی‌توانی در همان زمینی که تمرین می‌کنی، مسابقه بدهی، این کار کیفیت عملکرد را پایین می‌آورد» (هافمن، ۲۰۰۲: ۵۴۶). بخش مهمی از توسعه ورزش را وابسته به زیرساخت‌های فضایی و تجهیزاتی می‌دانند. ممکن است استعدادهای فراوانی در یک جامعه وجود داشته باشد، اما صرفاً به‌خاطر نبود امکانات و تجهیزات مناسب، راه به جایی نبرند؛ چه این که با شرایط خاص فرهنگی ایران و نیازهای ویژه بانوان، لزوم تأمین امکانات و تجهیزات اختصاصی، بیشتر به چشم می‌خورد. نبود فضای استاندارد ورزشی، تداخل زمانی برنامه‌ها به‌واسطه استفاده از اماکن مشترک با مردان و عدم تأمین نیازهای تمرینی از مشکلات ورزش زنان است (حسینی و سمیع‌پور، ۱۳۹۴: ۶۳)؛ که با ساخت و توسعه اماکن اختصاصی می‌تواند رفع شود. در سال‌های اخیر، برخی مدیران شهری با مشاهده نارسایی‌ها و از سوی دیگر حضور چشمگیر بانوان، به‌منظور بهبود کیفیت فضاهای عمومی برای استفاده بانوان، به طراحی پارک‌های بانوان اقدام کرده‌اند. این موضوع می‌تواند توسعه ورزش بانوان و انگیزه لازم برای مشارکت ورزشی را فراهم کند. در اظهارات یکی از شرکت‌کنندگان آمده است که «از مهمترین مشکلات ورزش بانوان، نداشتن سالن‌های اختصاصی است. تا زمانی که زیرساخت‌های اختصاصی در ورزش بانوان فراهم نباشد، قدم‌های بعدی برداشته نخواهد شد». در حقیقت، مدیران شهری با این برنامه‌ریزی‌های فراغتی و توسعه ورزش همگانی در بین زنان، زمینه گام‌های بعدی و رشد ورزش قهرمانی را فراهم می‌سازند. توسعه باشگاه‌های فعال در ورزش بانوان از دیگر نیازهای اختصاصی این حوزه است که با توسعه ورزش حرفه‌ای، به رشد ورزش قهرمانی کمک می‌کند. در حقیقت، ورزش همگانی و حرفه‌ای پله‌هایی هستند که قبل از رسیدن به ورزش قهرمانی باید طی شوند. هم‌چنان که فارمر و آرنودن (۱۹۹۶) در مدل سه سطحی خود، ورزش مدارس و ورزش همگانی- تفریحی را پایه و اساس ورزش قهرمانی و رقابتی می‌دانند.

یکی دیگر از عوامل توسعه ورزش قهرمانی برخورداری از منابع درآمدی است. پژوهش قره‌خانی و همکاران (۱۳۹۴) نشان می‌دهد که از بین منابع متعدد درآمدزایی در ورزش، حدود ۲۵ درصد از آنها و آن هم به شکل محدود در ایران مورد استفاده

قرار می‌گیرد. بنابراین، لازم است به شکل جدی‌تری به آن پرداخته شود. تحقیقات نشان داده است که نقش دولت‌ها در فراهم‌سازی منابع انسانی و مالی برای ورزش قهرمانی بسیار حیاتی است و دولت‌ها با فراهم کردن حمایت‌های مالی راه موفقیت ورزش قهرمانی را هموار می‌سازند (پرینگل، ۲۰۰۱: ۷۰). علاوه بر آن، بیشتر سازمان‌های اداره‌کننده ورزش قهرمانی در سراسر دنیا با بهره‌گیری از حامیان مالی قدرتمند و در سایه همکاری و حمایت آنها توانسته‌اند به تقویت و ترویج فرهنگ ورزش بپردازند و در فرآیندی دو جانبه در کنار پوشش هزینه‌های خود، موقعیت‌های تبلیغاتی مناسبی را برای حامیان فراهم آورند (آزادان و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۱). البته جذب حمایت‌گران در ورزش زنان ایران با چالش‌هایی مواجه است؛ هم‌چنان که این اظهارات نشان می‌دهد: «برای جذب حمایت‌گر، باید ورزش بانوان بازتاب رسانه‌ای داشته باشد تا حمایت‌گر انگیزه‌های لازم برای این کار را پیدا کند...». از این رو، تا زمانی که جذابیت‌های لازم هم‌چون دسترسی به مخاطبان گسترده و قرارگیری در معرض دید دیگران، برای حمایت‌گران فراهم نشود، نمی‌توان روی حمایت‌های ثابت آنها حساب کرد. با در نظر گرفتن ملاحظات فرهنگی و باورهای دینی حاکم بر جامعه می‌توان امکان پخش رسانه‌ای برخی از رشته‌های زنان را فراهم کرد. این کار نیازمند رایزنی و تأمین معیارهای رسانه ملی است. ساخت مستندهای مربوط به ورزش زنان نیز می‌تواند زمینه را برای این موضوع فراهم سازد. از سوی دیگر، با توجه به سنت مشارکت در امور خیریه و مذهبی، به نظر می‌رسد می‌توان از طریق جهت‌دهی خیرین تا حدودی مشکلات مالی حوزه ورزش بانوان را رفع کرد. حوزه‌ای که در ورزش دنیا به‌عنوان یکی از منابع مهم درآمدی شناخته می‌شود و البته در ایران، به‌واسطه نگرش‌های منفی، تا حدود زیادی از آن غفلت شده است.

علاوه بر موارد ذکر شده، وجود ساختارهای مدیریتی منسجم در گسترش و توسعه ورزش قهرمانی بانوان تأثیر به‌سزایی دارد. چه اینکه، ساختار مدیریتی درست می‌تواند زمینه‌ساز بهره‌برداری بهتر از سایر عوامل مؤثر در ورزش قهرمانی باشد. در این ساختار مدیریتی، حضور زنان کارآمد و باتجربه در جایگاه تصمیم‌سازی‌های کلیدی ضروری است؛ چرا که تصمیم‌گیری با دیدگاه‌های درست و بر اساس بازتاب واقعی جامعه زنان، می‌تواند ورزش زنان را به سرانجام برساند. در حقیقت، سیستمی که خواهان موفقیت است، باید شناختی درست از جامعه هدف خود داشته باشد تا بتواند برنامه درستی در سطح کلان تدوین کند (گودرزی، ۱۳۹۳: ۱۲۱). وجود چنین برنامه‌ای با پیش‌بینی‌های لازم در سطح فدراسیون‌ها و ادارات ورزش استان‌ها می‌تواند وحدت و یکپارچگی را برای دستیابی به اهداف به‌وجود آورد (رشیدلمیر و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۸۲). در این برنامه استراتژیک لازم است نقش سطوح مختلف هرم ورزش دیده و به‌هم پیوند زده شود تا از یک‌سو فرآیندی مشخص برای حرکت از سطح ورزش تربیتی به سطح قهرمانی طی شود و از سوی دیگر، تمامی سازمان‌های ذی‌نفع و درگیر، با یک فرماندهی معین به پیش روند. تعدد مراکز تصمیم‌گیری از دیرباز بر سرمایه‌های بخش ورزش تأثیر منفی گذاشته و باعث موازی‌کاری، تداخل امور، سردرگمی و هدررفت منابع شده است. در حقیقت، وجود سازمان‌های متعددی که بدون هماهنگی با یکدیگر به سیاست‌گذاری در بخش‌های مختلف ورزش دانش‌آموزی، دانشجویی، کارگری، نیروهای نظامی و غیره می‌پردازند، این شرایط را سبب شده‌اند (رضایی و صالحی‌پور، ۱۳۹۷: ۹۲). با این حال، به نظر می‌رسد با یکپارچه‌سازی تصمیمات و هماهنگی بین بخش‌های مختلف می‌توان به توسعه درازمدت ورزش زنان امیدوار بود. علاوه بر موارد ذکر شده، یکی دیگر از ضعف‌های مدیریتی حال حاضر کشور، روابط با سازمان‌های اداره‌کننده ورزش در سطح بین‌المللی است که می‌تواند ورزش زنان را از امتیازات متعددی محروم کند. ارتقای سطح منابع انسانی ورزش زنان، کمک به تأمین استانداردهای اجرایی و عملکردی، فراهم‌سازی امکان حضور ورزشکاران در رقابت‌های مختلف، مشاوره و هم‌فکری برای ارتقای ورزش زنان و مواردی از این دست، همگی در حیطه وظایف سازمان‌های بین‌المللی ورزش است که به‌واسطه روابط ضعیف می‌تواند از بین رفته و توسعه را به تأخیر بیندازد.

یافته‌های پژوهش نشان داد که بخش دیگری از عوامل مؤثر در ورزش قهرمانی زنان را می‌توان تحت عنوان عوامل فنی - ورزشی دسته‌بندی کرد. این عوامل شامل آماده‌سازی عمومی، توسعه حرفه‌ای و مدیریت استعداد هستند. در ارتباط با

مقوله‌ی برنامه‌های آماده‌سازی، یکی از مهم‌ترین موضوعات برگزاری تمرینات یا اردوهای مشترک با مردان یا تیم‌های سایر کشورهاست. در حقیقت، در رشته‌هایی که عرف مجاز می‌داند (مثل تیراندازی)، می‌توان برای ارتقای سطح ورزش بانوان و تقویت تیم‌های ملی این اقدامات را مدنظر قرار داد. با توجه به سطح بالاتر ورزش مردان در اکثر رشته‌ها، اردوهای مشترک می‌تواند به توسعه یادگیری و سطح فنی ورزشکاران زن منجر شده و نتایج درخشان‌تری را برای آنها به همراه داشته باشد. به‌علاوه، وجود برنامه‌های مدون برای برگزاری اردوها و اعزامها که بتواند به فعالیت‌های قهرمانان نظم بدهد، از ضروریات آماده‌سازی ورزشکاران و تیم‌های ملی است. از سوی دیگر، به خاطر محدودیت اعزام‌های ورزشکاران زن، لازم است در محیطی دیگر برای مسابقات رسمی آمادگی رقابت را کسب کنند که بدین منظور برگزاری مسابقات تدارکاتی با تیم‌های مطرح یا سطح بالاتر می‌تواند کمک‌کننده باشد. به اعتقاد یکی از مشارکت‌کنندگان: «حضور در رقابت برای ورزشکارانی که کمتر زمین دیده‌اند، نکات فنی و روانی بسیاری دارد». از این‌رو، در کنار مسابقات تدارکاتی و دوستانه، برگزاری جشنواره‌های ملی یا بین‌المللی در داخل کشور می‌تواند شرایط رقابت را برای ورزشکاران زن فراهم سازد.

توسعه حرفه‌ای یکی دیگر از مقوله‌های فنی- ورزشی است که به‌طور ضمنی در بحث هرم ورزش به آن پرداخته شد؛ اما، در اینجا به‌طور جزئی‌تر و آشکارتر بررسی می‌شود. در توسعه حرفه‌ای یکی از مهم‌ترین روش‌ها، که تجربه خوبی نیز درباره آن وجود دارد، ایجاد لیگ‌های هرمی در سطوح مختلف است. این نظام شامل هرمی از لیگ‌ها می‌شود که بر اساس قانون صعود و سقوط به یکدیگر متصل شده‌اند. در این نظام، راه برای رسیدن تیم‌ها به بالاترین سطح باز گذاشته شده است؛ به نحوی که رقابت بین تیم‌ها را تشدید می‌کند. بنابراین، ایجاد لیگ‌های هرمی منظم و نظارت کامل بر تمامی سطوح آن می‌تواند عاملی برای ارتقای باشگاه‌داری و به‌دنبال آن توسعه حرفه‌ای باشد. از سوی دیگر، ایجاد چنین نظامی نیازمند آموزش و توسعه نیروی انسانی متخصص است تا بتوانند امور لیگ‌ها و باشگاه‌ها را بر عهده گیرند. در بخش مردان، چنین نیروهایی تا حدود زیادی وجود دارد، اما بر ورزش بانوان، نیاز به پرورش چنین افرادی به چشم می‌خورد. موضوع دیگر در بخش فنی- ورزشی، تشکیل تیم‌های منتخب (ملی) است. توجه به رده‌های مختلف تیم‌های ملی و استعدادیابی برای کشف استعدادها و پرورش ورزشکاران نخبه از سطوح پایین، نتیجه بهتری به‌همراه خواهد داشت. شناسایی استعدادها درخشان، به رسمیت شناختن شرکت‌کنندگانی است که در حال حاضر، دارای پتانسیل برای تبدیل شدن به ورزشکاران نخبه هستند (ویلی، ۲۰۱۱: ۷) و این موضوع می‌تواند انگیزه پیشرفت را در بین ورزشکاران ایجاد کند. در نظر گرفتن معیارهای علمی در مراکز استعدادیابی می‌تواند، خزانه‌ای از استعدادهای حقیقی را فراهم سازد که در مرحله بعدی با پرورش آنها می‌توان تیم‌های ملی را تغذیه کرد. در این مسیر، هماهنگی و همکاری پایگاه‌های استعدادیابی با هیئت‌های ورزشی و پایگاه‌های قهرمانی می‌توان دستیابی به نتیجه را تسهیل کند. اجرایی کردن سند راهبردی نظام جامع ورزش کشور می‌تواند بخشی از خط‌مشی‌های لازم را فراهم سازد؛ چرا که در این سند شیوه‌نامه‌ای به‌منظور استعدادیابی و پرورش استعدادها توسط هیئت‌ها تهیه شده است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۲). به‌طور کلی، توسعه حرفه‌ای، برنامه‌های آماده‌سازی و تشکیل تیم‌های منتخب به شیوه‌ای علمی و یکپارچه مواردی است که ورزش زنان را به لحاظ فنی ارتقا خواهد داد.

عوامل دیگری که بر توسعه ورزش قهرمانی تأثیر می‌گذارند در قالب بستر اجتماعی دسته‌بندی شدند. این دسته شامل چهار مقوله دسترسی به منابع انسانی، شایستگی‌ها، حمایت اجتماعی و محدودیت‌های عرفی بود. اهمیت نقش منابع انسانی در فرآیند توسعه پیش از این نیز بحث شد. دسترسی سازمان‌های ورزشی به زنان متخصصی که بتوانند وظایف حوزه قهرمانی ورزش را به دوش گرفته و بهره‌وری کار را افزایش دهند، از نیازهای اساسی امروز جوامع به‌شمار می‌آید (نوربخش و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۴). هرچه نسبت نیروی متخصص به ورزشکار بیشتر باشد، پیشبرد اهداف ورزش قهرمانی بانوان مؤثرتر خواهد بود. وجود مربیان زن بازیکن‌ساز در سطوح پایه و حریفان تمرینی قدرتمند در داخل کشور، هرکدام در جای خود می‌توانند بخشی از نیازهای نیروی انسانی ورزش قهرمانی را فراهم سازند. البته به‌نظر می‌رسد در حال حاضر یکی از مشکلات ورزش بانوان همین موضوع باشد که برای تأمین این نیروی انسانی از داخل و خارج باید برنامه درازمدتی تهیه و

اجرا شود. جذب مربیان خارجی با هدف تربیت مربیان آینده و فراهم‌سازی آموزش‌های رسمی برای مربیان زن می‌تواند در این زمینه بسیار اثربخش باشد.

بخش دیگری از عوامل مرتبط با منابع انسانی مربوط به وجود استعدادها و ورزشی در کشور است؛ قابلیت‌های ذهنی حرکتی، ساختار بدنی و وضعیت روانی زنان جامعه نقش مهمی در توسعه فعالیت‌های قهرمانی دارد. در واقع، ویژگی‌های فردی و شایستگی‌های ورزشکاران زن می‌تواند سرمایه‌گذاری بر آنها را توجیه یا رد کند (مرادی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۰). بخشی از این موضوع که از محیط و تمرین بیشتر تأثیر می‌پذیرد، به یادگیری مهارت‌های ورزشی و مدیریت روانی مربوط می‌شود که در بهبود و ارتقای عملکرد ورزشکار نقش به‌سزایی دارد (ریاحی‌فارسانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۶). برخی از کشورها هم‌چون قطر با مشکل دسترسی به منابع انسانی شایسته و کافی مواجه هستند که برای توسعه ورزش قهرمانی خود، مجبور به استفاده از شیوه‌های دیگری می‌شوند؛ با این حال، به نظر می‌رسد که به لحاظ دسترسی به این منابع در کشور ایران، مشکل چندان وجود نداشته باشد، اما در پرورش و توسعه شایستگی‌های افراد، همواره مسائلی از جمله بی‌برنامگی وجود داشته است. استقرار نظام مدیریت استعداد در بخش بانوان می‌تواند به شناسایی، پرورش و حفظ استعدادها و ورزشی کمک کند و در درازمدت سطح ورزش زنان را ارتقا بخشد.

در بستر اجتماعی موجود، تعداد زیادی از زنان به دلیل عدم حمایت از سوی خانواده و دوستان، مجبور به ترک ورزش می‌شوند (طاهری‌جامی ابدال‌آبادی، ۱۳۹۷). هایکو و اسمیت (۲۰۱۴: ۳۰۲) تشویق و حمایت اجتماعی ورزشکاران در خانواده‌ها را یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر در رشد آنها می‌دانند. دانش والدین و حمایت بر مبنای این دانش می‌تواند زمینه این رشد و ترقی را فراهم کند: «خانواده‌ها باید مطلع باشند تا بتوانند از ورزشکار حمایت کنند، بعضی ورزشکاران به دلیل حمایت یا دخالت‌های اشتباه والدین از میداندین مسابقه خارج شده‌اند». در کنار حمایت خانواده، پشتیبانی مالی و فنی فدراسیون‌ها و نهادهای درگیر در ورزش قهرمانی، می‌تواند راه را برای پیشرفت ورزشکاران هموارتر سازد. سهم بانوان از منابع مختلف نهادهای ورزشی به‌ویژه فدراسیون‌ها می‌تواند میزان این حمایت‌ها را نشان دهد (مظفری و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۴).

با وجود تمامی عوامل ذکر شده، ورزش زنان ایران از موضوع دیگری نیز رنج می‌برد که در بسیاری از مواقع مانع گسترش آن شده است. عرف موجود که از گذشته دور به یادگار مانده است، حضور فعال زنان در عرصه‌های مختلف را به دشواری قبول کرده است. به‌ویژه، فعالیت‌هایی که عنوانی مردانه را یدک می‌کشند، بیشتر گریبانگیر این مسئله بوده‌اند. در حقیقت زنان شایسته نمی‌توانند به آزادی مردان در فعالیت‌های ورزشی شرکت کنند یا حتی به اندازه مردان به چنین شرایطی دسترسی داشته باشند. حتی پوشش تلویزیونی فعالیت‌های زنان در بسیاری از مواقع، مورد مخالفت قرار می‌گیرد (احسانی و همکاران، ۱۳۸۷). بخشی از این موضوع به مسئله حجاب و رعایت موازین اسلامی بر می‌گردد؛ اعزاز تیم‌ها، مخالفت هیئت‌های حاکمه بین‌المللی برای حضور با حجاب اسلامی و حتی تمرین با مردان یا زیرنظر مربیان مرد در بسیاری از مواقع چالش‌هایی بوده است که ورزش زنان با آنها مواجه بوده است. گرچه در محدوده‌ی میدان‌های بین‌المللی، زنان توانسته‌اند با پوشش‌های اسلامی، نتایج قابل قبولی را کسب کنند (اکبرآبادی، ۱۳۹۱: ۹). با توجه به نقش قاطع رسانه در شکل‌دهی به افکار و اندیشه‌ها، رسانه ملی می‌تواند با نمایش دادن رشته‌های ورزشی، دیدگاه بسیاری از افراد جامعه به‌ویژه آنهایی که تنها رسانه ارتباطی‌شان رادیو و تلویزیون است را به سمت علاقه و گرایش به این رشته‌ها سوق دهد (رضانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۴۲). توسعه ورزش در بین بانوان نیازمند بهبود باورهای اجتماعی، نگاه عادلانه و منصفانه است که بدین‌منظور همراهی نهاد مذهب بسیار حیاتی است. بنابراین، لازم است از طریق رایزنی با مراجع و گروه‌های صاحب نفوذ مذهبی، محدودیت‌های عرفی کنار زده شود. اصلاح نگرش به فعالیت‌های اجتماعی زنان در جامعه معاصر و توجه رسانه‌ای به ورزش زنان، نه تنها می‌تواند میزان مشارکت آنها در ورزش را افزایش دهد، بلکه می‌تواند با توجه به تنوع جغرافیایی و قومیتی ایران، کسب سکوه‌های جهانی و بین‌المللی توسط آنها را نیز تضمین کند.

اکثر پژوهش‌های گذشته بخشی از موانع توسعه ورزش زنان مانند رسانه، حمایت‌گری و امثال آن را مطالعه کرده‌اند که بیشتر نیز مبتنی بر دیدگاه صاحبان کرسی‌های علمی بوده است. پژوهش حاضر با رویکردی متفاوت سعی کرده است تا

نگاهی جامع و کل‌نگرانه داشته باشد و ضمن وحدت بخشیدن به مطالعات گذشته، این چارچوب را بیشتر از منظر زنان و افراد درگیر در ورزش قهرمانی بسط دهد. از این رو، کدهای استخراج‌شده به‌عنوان نتایج پژوهش، جنبه عملیاتی‌تری دارند. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود که مطالعات آتی به مطالعه اولویت‌ها و میزان نقش عوامل استخراج‌شده در توسعه ورزش قهرمانی زنان بپردازند.

منابع

- ابراهیمی، عبدالحسین؛ مهدی‌پور، عبدالرحمن؛ ازمشا، طاهره (۱۳۹۵). «تأثیر زیرساخت‌های ورزشی و ویژگی‌های دموگرافی بر میزان مشارکت ورزشی شهروندان اهوازی با استفاده از مدل چندسطحی (HLM)»، مجله پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی، سال پنجم، ۱، ۷۷-۹۰.
- ابودردا، زینب (۱۳۸۵). بررسی علل عدم حمایت اسپانسرها از ورزش حرفه‌ای بانوان شهر اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان.
- احسانی، محمد؛ شتاب‌بوشهری، سیده ناهید؛ کوزه‌چیان، هاشم؛ مشبکی، اصغر (۱۳۸۷). «بررسی و رتبه‌بندی عوامل بازدارنده ارتقاء زنان به پست‌های مدیریتی در هیات‌های ورزشی استان خوزستان»، مجله پژوهش در علوم ورزشی، ۱۹، ۱۷۱-۱۸۹.
- اکبرآبادی، حجت‌الله (۱۳۹۱). «مدال‌آوری بانوان و ارتقای جایگاه ورزش ایران»، روزنامه جام‌جم، سال سیزدهم، شماره ۳۴۵۴، ۹-۱۰.
- آرین، الهام؛ یوسفی، بهرام؛ عیدی، حسین (۱۳۹۷). «ساخت و اعتباریابی ابزار حمایت از بانوان ورزشکار نخبه در ورزش قهرمانی»، مجله مدیریت ورزشی، سال دهم، ۲، ۲۵۷-۲۷۱.
- آزادان، مهدی؛ عسکریان، فریبا؛ رضانی‌نژاد، رحیم (۱۳۹۱). «بررسی راهکارهای جذب اسپانسرها در فوتبال حرفه‌ای ایران»، مجله مطالعات مدیریت ورزشی، ۱۳، ۱۲۳-۱۳۶.
- بنار، نوشین؛ احمدی، نسرين؛ کریمی، فریبا (۱۳۹۲). «بررسی مشکلات ورزش قهرمانی زنان استان گیلان»، نشریه مدیریت منابع انسانی در ورزش، ۱، ۱۱-۲۵.
- پورکیانی، محمد؛ حمیدی، مهرزاد؛ گودرزی، محمود؛ خبیری، محمد (۱۳۹۶). «تحلیل اثرگذاری ورزش حرفه‌ای و قهرمانی بر توسعه ورزش»، مجله مطالعات مدیریت ورزشی، ۴۲، ۵۵-۷۲.
- حسینی، سیده‌ادی؛ سمیعی‌پور، داوود (۱۳۹۴). «تحلیل تطبیقی رضایت‌مندی زنان از پارک‌های شهری - پارک بانوان و پارک مختلط ملت (مشهد)»، مجله مطالعات اجتماعی، روانشناختی زنان، ۱۳، ۴۳-۷۶.
- خلیلی، محسن (۱۳۸۶). «آسیب‌شناسی مشارکت زنان در جامعه معاصر ایران»، پژوهش زنان، ۵ (۲)، ۱۶۵-۱۸۶.
- راسخ، نازنین؛ سجادی، نصرالله (۱۳۹۴). «استراتژی‌های توسعه ورزش قهرمانی بانوان کشور ایران بر اساس مدل SPP»، مجله مدیریت منابع انسانی در ورزش، ۲، ۹۹-۱۰۳.
- رشیدلمیر، امین؛ دهقان قهفرخی امین؛ رشیدلمیر، امیر (۱۳۹۲). «تدوین برنامه راهبردی اداره کل ورزش و جوانان استان خراسان رضوی در حوزه ورزش و تربیت‌بدنی»، مجله مدیریت ورزشی، ۴، ۱۷۹-۱۹۸.
- رضایی صوفی، مرتضی؛ شعبانی، عباس (۱۳۹۳). «تحلیل ورزش قهرمانی کشور به روش SWOT»، دو فصلنامه مدیریت و توسعه ورزشی، ۱، ۸۷-۱۰۳.
- رضایی، شمس‌الدین؛ صالحی‌پور، مژگان (۱۳۹۷). «تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه صنعت ورزش ایران با رویکرد داده‌بنیاد»، مدیریت منابع انسانی در ورزش، ۶ (۱)، ۸۹-۱۰۷.
- رضانی‌نژاد، رحیم؛ ملائی، مینا؛ خلیلی، سیده لیلا (۱۳۹۵). «شناسایی و اولویت‌بندی مشکلات زنان ورزشکار قهرمان قایقرانی ایران». نشریه مدیریت منابع انسانی در ورزش، ۲، ۲۳۱-۱۴۴.
- رضانی‌نژاد، رحیم؛ هژبری، کاظم؛ عیدی، حسین؛ ریحانی، محمد؛ عسگری، بهمن (۱۳۹۴). مدیریت ورزش نخبه، آمل: شمال پایدار.

- ریاحی‌فارسانی، لیلا؛ فرخی، احمد؛ فراهانی، ابوالفضل؛ شمس‌پور، پروانه (۱۳۹۲). «تأثیر آموزش هوش هیجانی بر مهارت‌های روانی نوجوانان ورزشکار»، نشریه رشد و یادگیری حرکتی، ۴، ۲۵-۴۰.
- ریحانی، فریده (۱۵ اردیبهشت، ۱۳۹۸). از حجاب تا نبودن اسپانسر، وضعیت ورزش زنان در ایران، بی‌بی‌سی.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۲). «سند راهبردی نظام جامع توسعه مدیریت تربیت بدنی و ورزش کشور»، مصوبه جلسه مورخه ۱۳۸۲/۶/۹، هیأت محترم وزیران.
- طاهری‌جامی‌ابدال‌آبادی، سمیرا (۱۳۹۷). بررسی محدودیت‌ها و فرایندهای تغییر رفتار دانشجویان جهت مشارکت در فعالیت‌های ورزشی، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی، دانشگاه صنعتی شاهرود.
- غفرانی، محسن؛ گودرزی، سجاد؛ جلالی‌فراهانی، سید نصرالله؛ مقرنسی، مجید؛ نقیب‌طباطبائی، مهدی؛ علی‌دوست، سیدعلی؛ قهفرخی، ابراهیم (۱۳۸۹). «طراحی و تدوین راهبرد توسعه ورزش قهرمانی استان سیستان و بلوچستان»، مدیریت ورزشی، ۴، ۱۶۹-۱۹۰.
- فراهانی، ابوالفضل؛ عبدوی‌بافتانی، فاطمه (۱۳۸۵). «امکانات و تجهیزات پایگاه‌های ورزش قهرمانی و نقش آن در توسعه ورزش کشور»، مجله حرکت، ۲۹، ۶۹-۸۳.
- فرشته، حبیب؛ لقای، حسنعلی؛ جامعی‌فر، محبوبه؛ موسوی فاطمی، حسین (۱۳۹۰). «پارک‌های موضوعی بانوان با رویکرد چند جانبه‌گر»، نشریه معماری و شهرسازی آرمان شهر ۴ (۶)، ۷۵-۸۶.
- قره‌خانی، حسن؛ سیف‌پناهی، جبار؛ فولادی‌حیدرلو، شهرام (۱۳۹۴). «طراحی مدل موانع خصوصی‌سازی باشگاه‌های فوتبال ایران»، مجله مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ۱۴ (۲۸)، ۱-۱۷.
- کردی، محمدرضا؛ تجاری، فرشاد (۱۳۸۵). «نگرش‌سنجی در خصوص فدراسیون ورزشی بانوان مسلمان با تأکید بر سومین دوره بازی‌های بانوان کشورهای اسلامی»، پژوهش در علوم ورزشی، دوره چهارم، ۱۳، ۱۵-۳۲.
- گودرزی، مهدی (۱۳۹۳). «تدوین برنامه راهبردی فدراسیون ورزش سه‌گانه با استفاده از مدل SPP»، مجله مطالعات مدیریت راهبردی و رفتار سازمانی در ورزش، ۴، ۱۱۳-۱۲۲.
- مرادی، جلیل؛ واعظ موسوی، سید محمدکاظم؛ امیرتاش، علی محمد (۱۳۹۶). «تعامل فرد، محیط و تکلیف در یادگیری حرکتی: تأثیر فضای رقابتی و استحکام ذهنی در یادگیری مهارت‌های ساده و پیچیده ورزشی»، نشریه رفتار حرکتی، ۲۷، ۸۵-۱۰۴.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۹). قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰-۱۳۹۴).
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۵). قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶-۱۴۰۰).
- مظفری، سیدامیراحمد؛ الهی، علیرضا؛ عباسی، شهابت؛ احدپور، هنگامه؛ رضایی، زین‌العابدین (۱۳۹۱). «راهبردهای توسعه نظام ورزش قهرمانی ایران». مجله مطالعات مدیریت ورزشی، ۱۳، ۳۳-۴۸.
- منظمی، مریم؛ علم، شهرام؛ شتاب بوشهری، سیده‌ناهد (۱۳۹۰). «تعیین عوامل موثر بر توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان جمهوری اسلامی ایران»، نشریه مدیریت ورزشی، ۱۰، ۱۵۱-۱۶۸.
- نادری، احمد؛ شهبازی، مهدی؛ اکبری، الهام (۱۳۹۳). «تحلیل انسان‌شناختی ورزش زنان: مطالعه‌ای بر فعالیت‌های ورزشی در پارک بانوان تهران»، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۴ (۲)، ۵۱-۶۸.
- نوربخش، مهوش؛ کهندل، مهدی؛ عظیمی‌شاد، سمیه (۱۳۹۰). «بررسی مقایسه‌ای ورزش بانوان قبل و بعد از طرح ادغام»، نشریه علمی - پژوهشی فصلنامه علوم ورزش، ۸، ۶۴-۷۹.
- Bruening, J.E., Welty, P., Evanovich, M., Fuller, D., Coble Murty, J., Percy, E., Silverstein, A., Michael Chung (2015). "Managing sport for social change: The effects of intentional design and structure in a sport-based service learning initiative", *Sport Management Review* 18, 69-85.
- Crockett, Z (2016, 5 August). More women will compete in Rio 2016 than in any other Olympics. <https://www.vox.com/2016/8/5/12386612/rio-olympics-2016-women>.
- Diener, E (2000). "Subjective well-being: The science of happiness and a proposal for a national index", *American psychologist*, 55(1), 34.

- Dixon, M. A., Warner, S. M., & Bruening, J. E (2008). "More than just letting them play: Parental influence on women's lifetime sport involvement", *Sociology of Sport Journal*, 4, 538-559.
- Farmer, P., & Arnaudon, S (1996). "Australian sport policy National sport policies: An international handbook", 1-22.
- Green, M. (2007). "Olympic glory or grassroots development? Sport policy priorities in Australia, Canada and the United Kingdom, 1960 – 2006". *The International Journal of the History of Sport*, 7, 921–953.
- Haycock, D., & Smith, A. (2014). "A family affair? Exploring the influence of Childhood sport socialisation on young adults", *leisure-sport careers in north-west England. Leisure studies*, 33, 285-304.
- Hoffman, R., ging, L. C., ramasamy, B. (2002). "Public policy and Olympic success," *applied economic leisure*, 9, 545 – 548.
- <http://www.ocasia.org/Game/GHAFDetails?q=NtpwTOliipDwo6ShqBnESxktSlr5+biYzaR1aA7kbpRCHZ3Rd6NkxmCO5ZagFD9Yu4Ro/tDoxphjxbcZ28qSuQ=>.
- <http://www.olympic.ir/fa/historymedals/olympicmedals/iraninolympicgamesmedlaists>
- <https://www.olympic.org>
- Human Development Report of United Nations. (2019). *Inequalities in human development in the 21st century, Gender Inequality Index*.
- Klein, M.-L. (2018). *Women's Football Leagues in Europe: Organizational and Economic Perspectives. Female Football Players and Fans*, 77–101.
- Levermore, R. (2008). "Sport: A New Engine of Development", *Progress in Development Studies*, 8, 183–190.
- Lincoln, Y.S. & Guba, E.G. (1985). "Naturalistic Inquiry. Beverly Hills", CA: Sage.
- O'Leary, L. (2017). *Organization and Regulation of the Premier League, NBA and Rugby Union. In Employment and Labour Relations Law in the Premier League, NBA and International Rugby Union (53-86)*. TMC Asser Press, the Hague.
- Pamela, W., Kirstin, H., Christoph, B. (2013). "Analyzing the impact of sport infrastructure on sport participation using geo-coded data: Evidence from multi-level model sneighbourhoods," *Journal of Sport Management Review*, 16, 54– 67.
- Pringle, R. (2001). "Examining the Justification for Government Investment in High Performance Sport: A Critical Review Essay", *Annul Of Leisure Research*, 4, 58- 75.
- Sebra, M. & Sedlacek, J. (2012). "Analyze of sport talent selection systems". *Comenius University in bratislava, faculty of physical education and sports, publication lii /I, 5, 13-20*.
- Veale, J.P. (2011). "Physiological assessment in talent identification within Australian football. School of sport and exercise science institute of sport," *exercise and active living, Victoria University*. Submitted in fulfilment of the requirement of the degree of doctor of philosophy, 1-260.

به این مقاله این گونه استناد کنید:

میرشکاران، زهره؛ بحرالعلوم، حسن؛ باقری، هادی (۱۳۹۸). «بررسی عوامل مؤثر بر توسعه‌ی ورزش قهرمانی زنان ایران»، پژوهش‌های معاصر در مدیریت ورزشی، ۹ (۱۸)، ۱-۱۴.